

دبیر شورای پاسداشت زبان فارسی عنوان کرد

حفظ زبان ملی نیازمند عزمی سراسری



کره فرهنگي؛ دبیر شورای پاسداشت

زبان فارسی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های این شورا را حفظ زبان فارسی از گزند هجوم واژه‌هایی می‌داند که معادل مناسبی برای آن‌ها انتخاب شده اما هنوز میان عموم مردم نهادینه نشده‌اند.

او شکل‌گیری عزمی ملی و تلاشی همه‌جانبه را برای حفظ این بخش از فرهنگمان ضروری می‌داند و حتی تأکید دارد که نه تنها مسئولان ارگان‌های دولتی

و خصوصی، بلکه تک‌تک شهروندان می‌توانند نقشی مؤثر در این زمینه ایفا کنند.

چند سطر که خواندید بخشی از گفته‌های محمود

شالویی، دبیر شورای پاسداشت زبان فارسی است که ماه

گذشته طی حکمی از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

به این سمت منصوب شد؛ خلاصه‌ای از گفت‌وگویی که

این مسئول فرهنگی با ایرنا داشته را با موضوع ضرورت

مراقبت از زبان فارسی در مواجهه با هجوم واژه‌های

بیگانه می‌خوانید. شالویی که سال‌هاست به‌عنوان

پژوهشگر حوزه ادبیات فارسی فعالیت دارد و شرح

نویسی و تألیف آثار متعددی را هم در حوزه ادبیات

کلاسیک فارسی برعهده داشته با اشاره به شکل‌گیری

این شورا می‌گوید: «از زمانی که قانون منع به‌کارگیری

واژه‌های بیگانه در مجلس شورای اسلامی در سال

۱۳۷۵ به تصویب رسید تاکنون ۲۵ سال می‌گذرد، این

قانون دوبار توسط هیأت وزیران مورد بررسی قرار گرفته

که آخرین آن‌ها اصلاح آیین‌نامه اجرایی آن در سال

۱۳۹۴ بوده است.»

شالویی این مصوبات مجلس و همچنین اصلاحات

آن در هیأت دولت را نشأت گرفته از عزم راسخی

می‌داند که در همه ارکان نظام و همچنین دولت‌های

روی کار آمده پس از انقلاب اسلامی مورد توجه بوده‌اند.

با این حال تأکید دارد که هنوز شاهد تحوّل اساسی در

این زمینه نبوده‌ایم و ادامه می‌دهد: «تاکنون شاهد یک

تحوّل اساسی نبوده‌ایم اما نباید تلاش‌هایی که صورت

گرفته را هم نادیده بگیریم چراکه تلاش‌های کارساز،

مؤثر، ریشه‌ای و حرفه‌ای حرکت‌کننده‌ی راطی می‌کند و

از سوی دیگر با موانع و مشکلاتی نیز روبه‌رو هستیم.

او تأکید می‌کند در دوره‌هایی نیز پیش آمده که به دنبال

وقوع اتفاقاتی ازجمله شرایطی که شیوع کرونا سبب

شده به‌انحاز آلویت کشور سس‌ال به‌داشت و مبارزه با

ویروس کووید۱۹ باشد، پس در این شرایط از اهمیت

حفظ زبان فارسی با استفاده درست از واژه‌های آن‌قدری

کاسته می‌شود. شالویی می‌گوید: «این بی‌توجهی باعث

می‌شود ناگهان با انواع دیگری از حضور

واژه‌های بیگانه مواجه شویم. البته ما

بخوبی می‌دانیم که بهداشت، سلامت

و صنعت هر کدام جای خود را دارند اما

نباید باعث شوند که به زبان و خط فارسی

کم‌تر توجه‌شود.»

شالویی تأکید کرد: دستگاه‌های

دولتی، عمومی، خصوصی و مهم‌تر

از همه یکایک مردم در قبال زبان

فارسی و پاسداشت آن باید احساس

مسئولیت عمیق‌تری داشته باشند و خودشان نسبت

به زبان تعصب به خرج دهند. شالویی برای آگهی‌های

تلویزیونی و تبلیغات رسانه‌ای هم جایگاه مهمی قائل

است و تأکید دارد این تبلیغات در صورت بی‌توجهی

سازندگان شان چنان اثری می‌گذارند که ده‌ها برنامه

دیگر نمی‌توانند اثر آن را زین ببرند. مشاور وزیر

فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گوید: «اگر واژه‌ای می‌خواهد

در زبان ما جای بگیرد، باید معادل مناسبی برای آن پیدا

کنیم یا بسازیم تا آن واژه بخوبی جایگاه خود را بیابد،

بدیهی است هر چه واژه‌های فارسی به نحو بهتری

ارائه شوند، بهتر در دل می‌نشینند.» او برای افرادی که

امکان گفت‌وگو و حضور در برنامه‌های فرهنگی و هنری

را دارند، قدرت اثرگذاری بیشتری قائل است و می‌گوید:

«تردید نیست که ما هم در خود وزارت فرهنگ،

مراکز که بیشترین ارتباط با فرهنگ و هنر دارند را در

اختیار داریم، مثلاً در معاونت هنری که شاخه‌هایی

مانند موسیقی و نمایشی را زیرمجموعه خود دارد و با

معاونت فرهنگی که با کتاب و انتشارات سروکار دارد و

با سازمان سینمایی که بر جریان فیلم‌سازی هدایت و

نظارت می‌کند.»

نگاه شالویی به عملکرد فرهنگستان زبان و ادب

فارسی به‌عنوان نهادی که مسئولیت واژه‌گزینی را

برعهده دارد مثبت است، و در پاسخ به این سؤال که

شورای پاسداشت زبان فارسی در ماه‌های باقی‌مانده

از دولت دوازدهم چه برنامه‌هایی در دست دارد

می‌گوید: «شورای پاسداشت زبان فارسی، مصوبه

قانونی مجلس شورای اسلامی را دارد و این قانون در

سال ۱۳۷۵ تصویب شده است. بنابراین با تغییر و تحول

ویا آموشد دولت‌ها هرگز دستخوش نوسان نمی‌شود.

در هیأت وزیران دو دولت متفاوت، طی سال‌های ۷۸ و

۹۴، آیین‌نامه اجرایی این شورا تصویب شده و احتمال

اینکه این قانون نادیده گرفته شود وجود ندارد. از همه

مهم‌تر این‌که این مقام معظم رهبری، از حامیان جدی و

پرواقرص پاسداشت زبان فارسی هستند.»

مریم سادات گوشه

خبرنگار

«حاج قاسم بارها به ما می‌گفت عکسی از ما

بگیرید که آن طرف به درد ما بخورد. و موقعی

که شهید می‌شود تنها عکسی که از او می‌ماند

دستی است که انگشتر به دست دارد. شهید

صیاد شیرازی هم اینگونه بود. وقتی درجه

سربلندی اش را گرفت گفت: دعا کنید خدا

به ما درجه‌ای بدهد که آن طرف به درد ما

بخورد و درست بعد از این دعا ۸ روز بعد به

درجه شهادت نائل شد.»

داستان عکس گرفتن از

شهیداقصه‌ای گسترده

دارد. از آن راز و رمزهای

ناگفتنی که هیچ کس

جز اهل دل نمی‌تواند

آن را مکاشفه کند. همچون عکس دست

حاج قاسم سلیمانی که جاسم غضبانیور از

آن رازگشایی می‌کند. **جاسم غضبانیور** عکاس

خرمشهری که با زرمندگان بسیاری زیسته،

با آنها در یک کلاس و مدرسه درس خوانده

شاهد بسیاری از تصاویر و صحنه‌های جنگ

بوده است. وقتی پای حرف‌هایش می‌نشیني

خود را جنگ‌زده‌ای معرفی می‌کند که هنوز

با شهدای جنگ حشر و نشر دارد و حال و

هوای جبهه‌ها در سر دارد: «سالی چند بار به

خرمشهر می‌روم جایی که ۱۸ ماه در اسارت

عراقی‌ها بود. عراق نکرده‌اند اگر بگویم جنگ

در شهر و کاشانه من هنوز هست.»

او ده اول محرم در خرمشهر بوده است:

«هر بار به آنجا می‌روم یاد شهداین بزهروز و

تقی و ابراهیم قاضی و بقیه شهدای می‌افتم.

از جلوی مدرسه ابتدایی شرافت که رد

می‌شوم یاد ده‌ها شهید این دبستان می‌افتم،

عکسی از کلاس سوم ابتدایی خودم دارم که

در وسط حیاط همین مدرسه گرفته شده و

چندین نفر از هم‌کلاسی‌هایم به شهادت

رسیدند. از جلوی مدرسه راهنمایی دریابد

رسانی که گذشتم، یاد آن شب وحشتناک

افتادم. آن شب بچه‌ها بعد از نبرد سخت

روانه را آنجا مشغول استراحت بودند و

محل شان توسط ستون پنجم دشمن لورفت

با عکاسانی که روزهای جنگ و پس از جنگ را ثبت کردند

جنگ در شهر و کاشانه من هنوز هست

دشمن مدرسه را به خمپاره بست. مدرسه

دو طبقه داشت و بچه‌ها در درگیری ۴۵ روزه

جنگ به آنجا پناه برده بودند. اما آن شب

خیلی‌ها شهید و مجروح شدند. «خطرات

آن سال‌ها همواره با غضبانیور است: «وقتی از

روی پل رد می‌شوم بی‌اختیار نگاهم به محل

دبیرستان بازگانی می‌افتد. دبیرستان جهان

آرا، بهروز مردای، عسکری و... مدرسه الفت

یا دبیرستان بازرگانی. غضبانیور که هم‌کلاسی

شهید محمد جهان آرا بوده است و با شهدای

بسیاری درس خوانده انتظار دارد که یادمان

شهدا با عکس‌هایشان باید زنده نگه داشته

شود: «من دبیرستان بازرگانی درس خواندم با

محمد جهان آرا و بهروز مردای و صدها شهید

دیگر هم‌کلاس بودم. حداقل این بود که یک

تابلو آنجا نصب می‌کردند عکس شهدا را

می‌گذاشتند. خروجی آن دبیرستان مردان

بزرگی همچون بحر العلوم و سالمی‌ها،

محمد جهان آرا‌ها و... بود. بچه‌هایی که

روز ب‌ دست خالی مقاومت کردند و

خیلی‌ها شان شهید شدند. من هنوز در جنگم

و با فکر جنگ از خواب بیدار می‌شوم. من هنوز

عکاس جنگ روزهای سختی را به یاد

دارد: «در دناک‌ترین عکسی که از بچه‌های

خرمشهر گرفتم عکس‌های مرثی‌

پورحیدری، کاظمی و عیدی سه تخریب‌چی

جنگ بودند. سه جوان یکی تازه داماد و

آن یکی که اتفاقاً برگه مرخصی گرفته بود،

می‌رفت که داماد شود و آن دیگری برادر

عروس بود. کارشان این بود که مهمات

عمل نکرده خرمشهر را می‌بردند بیابان و

آنها را منهدم می‌کردند. ماشین‌شان نیسان

بود. باید گلوله‌های عمل تکرده داخل

ماشین را می‌بردند و منهدم می‌کردند. دم

غروب بود در محوطه پرشین هتل با آنها

می‌گفتم می‌خندیدم. دوسه ساعت بعد

خبر شهادت هر سه را آوردند. وقتی برای

منهدم کردن مهمات می‌رفتند ماشین‌شان

در یک چاله و دست‌انداذ می‌افتد و یک

جنگ برای مرز نشینان هیچگاه تمام نمی‌شود

مهدی منعم ۲۵ سال در کوچه پس کوچه‌های سردشت و مریوان به‌دنبال دست و

پاهای جا مانده در میادین مین بوده است. او عکاس خبری خبرگزاری جمهوری

اسلامی (ایرنا) بوده که در دوران دفاع مقدس عکس‌های بسیاری گرفته و منتشر

کرده است. و حالا آلبوم عکس‌های او بخشی از تاریخ جنگ ایران و عراق است.

منعم با فروتنی می‌گوید: «من خیلی در رابطه با جنگ فعالیت نداشتم. من عکاس

خبری ایرنا بودم و در چند عملیات مأموریت داشتم و رفته به جبهه.» او به مناطق

مختلفی رفته است: «عکس‌های بسیاری گرفتم. سال ۱۳۸۵ در سوسنگرد روستای

سعدون حمودی واقع‌ای رخ داد که من از آن عکس گرفتم. محمد وقتی با پدر و

مادرش به مزرعه می‌رود با دوستانش مشغول توپ بازی می‌شود. او که می‌خواسته

توپ پلاستیکی را شوت کند، یک‌دفعه با انفجار مین یک پایش را از دست می‌دهد.

عکسی که من از محمد گرفتم او ایستاده با عصای کوچکش و به توپ بازی کودکان

دیگر نگاه می‌کند. به سان کودکی که تمام آمال و آرزوهای کودکانه‌اش را از دست داده

است.» منعم جنگ را اتفاق ناخوشایندی برای تمام بشریت خواند: «جنگ برای

ایران چه برای بوسنی و چه هر کجای این کره خاکی اتفاق بیفتد اتفاق خوبی نیست.

رسانه‌ها تأثیر زیادی در نشان دادن چهره واقعی جنگ دارند. چه در هنگام وقوع و چه

بعد از آن. عکس‌های من نشان می‌دهد که در میادین مین چه پاهای و دست‌هایی از

دست رفته است. نشان می‌دهد که جنگ هیچ وقت تمام نمی‌شود و برای کسانی که



عکس جاسم غضبانیور

و حاج صاحب عبودزاده یک جانباز دیگر

جنگ است که از او عکس گرفته است: «روزی

یک گلوله توپ ۱۰۶ در دستش بود و من از او

عکس گرفتم چند روز بعد همان دستش را

در انفجار گلوله در لوله ۱۰۶ از دست می‌دهد

دستی که من قبلاً از آن عکس گرفته بودم.»

گلوله عمل می‌کند و منفجر می‌شود. دست

اندازه‌هایی که با توپ دشمن ایجاد شده

بود. من هم رفته و از گوشت‌های سوخته و

بدن‌های تکه تکه شده آنها عکس گرفتم.»

اما این تمام عکس‌های او نیست، محمد

گلشن، جانبازی که پایش را از دست داد



مرزنشین هستند هر روز شکل و شمایلش جدیدتر می‌شود.» او از جانبازان شیمیایی

می‌گوید از آن دلوار مردانی که حالا در آرزوی یک لحظه دم و بازدم راحت هستند.

منعم از بچه‌های زیادی عکس گرفته است که به خاطر جنایات صدام مجروح و

جانباز شده‌اند؛ دو کودکی که به‌خاطر انفجار مین یکی دو چشمش را از دست داد

و دیگری هم مشکل تنفسی پیدا کرده است. عکس زهرا سلیمان پناه یادآور سال

۱۳۸۳ در روستای پاوه سردشت است هنگامی که مشغول چیدن گیاه محلی بوده با

انفجار مین صورتش آسیب جدی می‌بیند و دو چشمش را از دست می‌دهد: «زها

با همت و تلاش زیاد به تحصیلات خود ادامه داد و موفق شد در رشته روان شناسی

لیسانس بگیرد و اکنون هم تلاش می‌کند تا در مقطع کارشناسی ارشد درس بخواند.»

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه گران به شماره مناقصه GT/99026

شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی در نظر دارد مناقصه املاح سینی کابل‌های بندر پتروشیمی پارس را با اطلاعات ذیل انجام دهد:

شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی (سهامی خاص)

چگونگی ارزیابی کیفی را از سایت اطلاع‌رسانی شرکت پایانه‌ها و مخازن

پتروشیمی به نشانی www.ttpc.ir دریافت نمایند و فرم‌های خود اظهاری

(دارای امضای مجاز و مهر به مهر شرکت) تکمیل شده، به همراه سایر

مدارک مورد نیاز را، حداکثر تا پایان ساعت ۱۲:۰۰ مورخ ۹۹/۰۷/۱۹، به

آدرس فوق‌الذکر، تحویل نمایند. پس از انجام ارزیابی کیفی از شرکت‌های

واجدالشرايط برای دریافت اسناد مناقصه و فرم پیشنهاد قیمت دعوت

بمعمل خواهد آمد.

هزینه چاپ آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.

سایر اطلاعات مناقصه و جزئیات شرح کار در اسناد مناقصه قید گردیده

است.

شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی (سهامی خاص)

فراخوان مناقصات عمومی یک مرحله‌ای

شرکت آلودمینی ایران